

دریچه

پرداخت وام ۲۰ میلیونی برای جایگزینی ۹۰هزار تاکسی فرسوده

● **خبرآنلاین:** طرح نوسازی ناوگان و جایگزینی ۹۰هزار دستگاه تاکسی فرسوده با حضور محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، رونمایی شد و به امضای هاشم یکه‌زارع، مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو و سایر نهاده‌ا و دست‌اندرکاران اجرای این طرح رسید.
نوبخت در آیین آغاز اجرای این طرح که در آن متصدی معاون سازمان حفاظت محیط‌زیست و جمعی از مسئولان دستگاه‌های اجرایی حضور داشتند، گفت: بی‌شک صنعت خودرو پس از گذار از دوران سخت تحریم‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های جدید و به‌روز دنیا، می‌تواند خودروهای مناسب‌تر تولید کرده و به مردم تحویل دهد. وی تصریح کرد: برخی از کارشناسان نگران بودند تا اجرای طرح تسهیلات ۲۵ میلیونی خودرو باعث افزایش تورم در جامعه شود اما خوشبختانه با تمهیداتی که از سوی دولت، نظام بانکی و خودروسازان در نظر گرفته شده بود شاهد بودیم که در دی‌ماه نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه، تورم ماهانه و سالانه کاهش یافت. وی با بیان اینکه درحال‌حاضر ۶۰ هزار تاکسی در سطح کشور از نوع پیکان هستند و ۹۰ هزار تاکسی فرسوده وجود دارند که باید خودروهای نو جایگزین آنها شوند، گفت: براساس طرح و توافقی که بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین دستگاه‌های دیگر انجام شده، قرار است با تأمین مالی که بخشی از آن از سوی بانک‌ها و به‌طور غیرتورمی انجام می‌شود این دستگاه‌های فرسوده جایگزین شوند. پورمحمدی با اشاره به اینکه سه بانک، پرداخت وام مورد نیاز برای جایگزینی تاکسی‌های فرسوده را انجام خواهند داد، گفت: براین‌اساس برای هر دستگاه خودرو ۲۰ میلیون‌تومان وام در نظر گرفته شده که شرایط ضمانتی آن نیز آسان است؛ به‌طوری‌که برای این تسهیلات فقط یک ضامن و همچنین سفته لازم است. وی دوره بازپرداخت تسهیلات ۲۰میلیونی وام خودروهای فرسوده را ۴۸ ماهه و با سود ۱۶ درصد اعلام کرد. به گفته معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، از محل تخفیفات گمرکی نیز حدود پنج‌میلیون‌تومان برای هر یک از این دستگاه‌ها کمک یارانه‌ای انجام خواهد شد.

مرگ ۲هزارو ۲۷۴ نفر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر

● **فارس:** بر اساس اعلام پزشکی قانونی کشور از ابتدای امسال تا پایان آذرماه، دوهزار و ۲۷۴ نفر به علت سوءمصرف مواد مخدر جان خود را از دست داده‌اند. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات دو هزار و ۲۶۵ نفر بود، چهار دهم درصد افزایش یافته است. در ۹ماهه سال جاری دو هزار و ۳۰ مرد و ۲۴۴ زن بر اثر سوءمصرف مواد در کشور جان باختند درحالی‌که در مدت مشابه سال قبل، آمار مردان فوت‌شده بر اثر اعتیاد، دو هزار و ۳۶ و تعداد زنان ۲۲۹ نفر بود. بر اساس این گزارش، در ۹ماهه امسال، استان‌های تهران ۵۸۰، خراسان رضوی با ۲۳۸ و فارس با ۱۶۹ فوتی بیشترین و استان‌های کهگیلویهوبوییراحمد با هفت، آذربایجان غربی با ۱۰ و بوشهر با ۱۱ فوتی کمترین آمار تلفات ناشی از سوءمصرف مواد را داشته‌اند. در این مدت از کل تلفات سوءمصرف مواد، هزار و ۲۶۶ نفر(هزار و ۱۳۶ مرد و ۱۳۰ زن) به دلیل مسمومیت، حدود ۶۷۲ نفر (۵۹۵ مرد و ۷۷ زن) به دلیل عوارض ناشی از مصرف طولانی‌مدت و ۳۳۶ نفر (۲۹۹ مرد و ۳۷ زن) تحت‌تأثیر مصرف روان‌گردان‌ها جان خود را از دست داده‌اند.

کاهش نرخ خودکشی سربازان

● **مهر:** معاون بهداشت، درمان و امداد ناجا گفت: آمار خودکشی در فاصله سال ۹۰ تا ۹۴ در نیروی انتظامی کاهش زیادی داشته و از نصف نیز کمتر شده است. با وجود این، ما همچنان مداخلات جدی در این زمینه داریم. سردار سیدمحمدرضا سیداحمدیان با بیان اینکه سربازان بیشترین نرخ خودکشی را در نیروی انتظامی داشتند، عنوان کرد: سربازانی که وارد نیروی انتظامی می‌شوند، تحت تست‌های شخصیتی قرار گرفته و با دیدن علائم روحی آنان، تسهیلات ویژه‌ای برایشان در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای آن دسته از سربازانی که دچار یا مستعد اختلالات روانی هستند نیز شرایطی ایجاد می‌شود و به عنوان مثال اسلحه به آنان داده نمی‌شود.

خودکشی دانش آموز ۱۳ساله دریکی ازمدارس کرمانشاه

● **مهر:** معاون اجتماعی انتظامی استان کرمانشاه گفت: یک دانش‌آموز امروز در یکی از مدارس شهر کرمانشاه اقدام به خودکشی کرد. سرهنگ محمدرضا آمویی اظهار کرد: یک دانش‌آموز ۱۳ساله کرمانشاهی امروز در یکی از مدارس راهنمایی پسرانه شهر کرمانشاه اقدام به خودکشی کرد. معاون اجتماعی انتظامی استان کرمانشاه در تشریح این خبر افزود: این دانش‌آموز در دستنویبی مدرسه خود را با طناب حلق آویز و خودکشی کرده است. سرهنگ آمویی با اشاره به مرگ این دانش‌آموز ادامه داد: علت و انگیزه این اقدام در دست بررسی است.

معصومه اصغری: قول‌ها را کنار بگذارید؛ هنوز ۱۱ ایستگاه از خط ۳ مترو تهران که طبق برنامه و اظهارات مدیرعامل شرکت مترو تهران قرار بود تا پایان سال ۹۴ تمام شود با وعده «پایان سال» باقی مانده است. خط ۶ و ۷ مترو تهران هم که هم‌زمان و با استفاده کامل از TBM (ماشین غول‌پیکر مکانیزه حفاری تونل) چند سالی است شروع شده، قرار بوده با حداقل نیمی از ایستگاه‌ها تا سال ۹۵ به بهره‌برداری برسد. اما اوضاع چندان طبق برنامه نیست و مترو همچنان در گیرودار کمبود منابع مالی به سر می‌برد. آخرین اتفاق برای خطوط در حال ساخت مترو هم جاخلی‌دادن بانک دی است. قرار بود فاینانس خط ۶ را این بانک برعهده بگیرد؛ اما حالا انصراف داده و شهرداری مجبور شده برای آنکه کار روی زمین نماند بانک شهر، یعنی بانک خودش را برای این کار وارد ماجرا کند. با این شرایط گویا به این زودی‌ها خبری از افتتاح این خطوط نیست.

آسمان هر بار با باد و برف و باران، تهران خاکستری و دودی را می‌شوید؛ اما دوباره و دوباره تصویر تهران پرغبار و بدون کوه‌های گمشده‌اش تکرار می‌شود. خودروهای شخصی تصمیمی برای کم‌شدن ندارند، اتوبوس‌ها شل‌وغند و مترو هم با همان طول و عرض و ایستگاه‌ها تکانی به خودش نمی‌دهد. این‌گونه است که فضاهای حمل‌ونقلی با همان ظرفیت هر روز بیشتر از دیروز مسافران‌شان را با فشردگی و ازدحام مواجه می‌کنند. این ماجرا برای مترو از همه بزرگ‌تر است؛ در حالی که مسافران هر روز بیشتر تمایل به استفاده از مترو دارند، قطارها پرتر و دیرتر به ایستگاه‌ها می‌رسند. مترو در این سال‌ها در خلا هیچ‌انگاری دولت و اعتباراتی که تنها حرف‌شان و اسمشان در ردیف‌ها می‌آید با تأخیر و توقف ... همراه شده است.

هابیل درویش، مدیرعامل شرکت مترو تهران و حومه چندی قبل در مراسم افتتاح بخشی از نیمه شمالی خط ۳ مترو تهران، اعلام کرد که ۵۰ درصد از خط ۶ مترو تهران که از «دولت‌آباد» در جنوب تهران شروع می‌شود و در منطقه «کن» به پایان می‌رسد، طبق برنامه زمان‌بندی باید در سال ۹۴ کامل شود و در پایان سال ۹۵ به بهره‌برداری برسد. او همچنین اعلام کرده بود بخش زیادی از تونل‌های خط ۷ هم ساخته شده و اکنون در حال ساخت ایستگاه‌ها هستیم و طبق برنامه‌ریزی باید تا پایان سال ۹۴ در خط ۷ هم افتتاح داشته باشیم.

پیش‌تر در مورد اینکه شهرداری تهران از سال ۹۲ حجم زیادی از اعتبارات مترو را برای پروژه‌های دیگر خود اختصاص داده و درعین حال به دلیل

ادامه از صفحه ۱۶

رایج است و به دست‌فروشان محدود نمی‌شود. از سازمان‌های دولتی و غیردولتی گرفته تا واحدهای کسب‌وکار کوچک و بزرگ در معابر عمومی اختلال‌هایی ایجاد می‌کنند. اما به‌رحال این یک چالش مهم در سیاست‌گذاری است. آیا می‌توان برای حمایت از افرادی که به دلیل نابسامانی اقتصادی ناگزیر به دست‌فروشی می‌شوند، حقوق دیگران را نادیده گرفت؟

آخرین چالش نیز این است که ما سیاست‌گذاری واحدی در این حوزه نداریم و نهاده‌ا و سازمان‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط متنوعی در ارتباط با پدیده دست‌فروشی وجود دارند و اصطکاک بین آنها و حتی درون هر دستگاه در این زمینه کم هم نیست!

۲ **در ارتباط با همین تعارض و چندوجهی بودن منافع در ارتباط بین دست‌فروشان و باقی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی، چگونه می‌توان به حل چنین تعارضاتی کمک کرد؟**

باید یک گفت‌وگوی اجتماعی بین ذی‌نفعان این حوزه شکل بگیرد. باید درباره چنین پدیده‌هایی و به‌طورکلی مسائل اجتماعی گفت‌وگو کرد. نخبگان و روشنفکران نیز باید به این گفت‌وگو بپیوندند و از آن دوری نکنند. درحال‌حاضر برای مثال، واحدهای کوچک صنفی به اندازه‌ای که دست‌فروشان را برای خود مسئله می‌بینند، مال‌هایی را که به‌طور جدی‌تری منافع آنها را تهدید می‌کند، نمی‌بینند یا شاید این توان را در خود نبینند که بخواهند چنین چیزی را مسئله کنند! همین‌طور ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای، کسب‌وکار واحدهای کوچک را در یک محله مختل می‌کنند، اما کمتر می‌بینیم که مقابل آنها اعتراضی وجود داشته باشد. طبق تحلیل‌ها و مطالعات انجام‌شده، گسترش مال‌ها معضلی جدی به لحاظ اقتصاد سیاسی و اقتصاد اجتماعی و شهرسازی است. اتفاقاً اتلاف بین صنف‌های کوچک و دست‌فروش‌ها، در مقابل مال‌هایی که در حال گسترشند، به‌مراتب به‌نفع هر دو طرف و حتی صنف‌های کوچک است. به عبارت دیگر، مسئله واحدهای صنفی کوچک مال‌ها هستند، نه دست‌فروشان.

در ارتباط با مسائلی هم که دست‌فروشی برای مردم عادی پدید می‌آورد باید دید که چگونه می‌توان در قالب همین گفت‌وگوی اجتماعی، این موضوع را حول همبستگی اجتماعی سامان داد. در مباحث مربوط به طرد اجتماعی این نکته مطرح می‌شود که باید افراد را در جامعه ادغام کرد. به‌ویژه که در تهران، مسئله دست‌فروشی نمود جدی توزیع نامتوازن منطقه‌ای در ایران هم هست؛ کسانی‌که از شهرستان‌ها به‌ناچار به تهران مهاجرت می‌کنند و در شرایط سخت و در پانسیون‌ها زندگی می‌کنند، نشان‌دهنده توزیع غلط منطقه‌ای و توزیع نادرست منابع بین مناطق مختلف کشور است. وقتی که شما سیاستی ندارید که نه به‌لحاظ منطقه‌ای و نه به‌لحاظ درآمدی برای افراد در مناطق خودشان شغل ایجاد کنید، افراد ناچار خواهند شد که جذب تهران و مشاغل غیر نظیر دست‌فروشی شوند وگرنه شرایط سخت کار و زندگی این افراد نشان می‌دهد که اشتغالشان به‌مشاغل غیررسمی، از سر اجبار است و نه انتخاب.

۳ **چه نهادهایی مسئول ایجاد یا تسهیل این توافق و اتلاف هستند؟**
همان‌طور که گفتیم، ما در این زمینه سیاست‌گذار واحد نداریم. انتظار این است که وزارت رفاه مسئول سیاست‌گذاری در این حوزه باشد، اما طبعاً شهرداری، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، وزارت کشور، سازمان بهزیستی و نمایندگان اصناف هم نهادهای مرتبطی هستند که باید در تدوین اجرای

جامعه



عکس: محمد زاربین

ایستگاه‌های خط ۳ و تعهدات خط ۶ و ۷ تا پایان ۹۴ اجرایی می‌شوند؟

م مثل مترو ت مثل تأخیر و توقف

نامیدی از عدم پرداخت اعتبارات دولتی، مثل

سال‌های قبل تلاش زیادی ندارد، نوشته بودیم.

چند عضو شورای شهر تهران هم این موضوع را بارها تذکر داده بودند. محسن سرخو قبلاً به «شرق» گفته بود بررسی اعتبارات اختصاص‌یافته به مترو نشان می‌دهد روند پرداخت‌ها از سال ۹۳ متوقف و در امور دیگر هزینه شده است. او گفته بود: در سال‌های قبل معمول این بود که ۵۰ درصد بودجه و اعتبارات مترو را شهرداری و نیمی دیگر را دولت پرداخت کند و چون دولت تأمین نمی‌کرد، کار تنها ۵۰ درصد پیش می‌رفت؛ اما با همان روند هم میزان پیشرفت قابل توجه بود. شورا در سال ۹۴ اعتبار ساخت مترو را به اندازه همه آن چیزی که باید برای مترو هزینه می‌شد، در نظر گرفت تا دیگر شهرداری نتواند بگوید چون دولت اعتبار نداده، من اجرا نکردم. با این وجود بررسی تخصیص اعتبارات و سرعت کار در مترو نشان می‌دهد این اعتبارات در جاهای دیگر غیر از مترو هزینه شده است. حتی میزان بازپدیده‌ا و پیگیری‌های شخص شهردار تهران تا سال ۹۳ بسیار منظم و جدی بوده، اما متوقف

دست‌فروش‌ها نیت ضداجتماعی ندارند



سیاست دخیل باشند اما نه به صورت جزیره‌ای و وصله‌ای بلکه حول یک سیاست‌گذار واحد یعنی وزارت رفاه. خود دست‌فروش‌ان هم باید تشکلی یا اجتماعی حتی به صورت غیررسمی داشته باشند. مجموعه‌ای از این دستگاه‌ها باید ابتدا این مسئله را بین خودشان حل کنند. باید میان مجموعه‌ای از کنشگران و ذی‌نفعان گفت‌وگو حول همبستگی اجتماعی را دامن زد؛ اعم از نهادهای دولتی و غیردولتی و اصناف.

۲ **اشاره کردید که در دیگر کشورهای دنیا سعی بر این است تا از طریق شاغل‌کردن افراد، گذار ایشان را به بالای خط فقر ممکن کنند. آیا درباره کشورمان شما اراده‌ای ناظر به تحقق چنین گذاری را می‌بینید؟**

خیر. این موضوع مستلزم بالابردن دستمزدهاست. حتی یکی از دلایل مهم بحران صندوق‌های بیمه‌ای هم، پایین‌بودن دستمزدها و عدم رشد آن حداقل در میزان تورم است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رشد دستمزد به میزانی پایین‌تر از تورم باعث می‌شود که قدرت خرید مدام کاهش یابد و به‌تدریج به شکاف عمیقی بین درآمد و هزینه خانوارها بینجامد و هرازچندسالی دولت ناگزیر می‌شود رشد نامتعرفانی را مثلاً در حقوق بازنشستگان ایجاد کند. بررسی روندهای چندساله دقیقاً نشان می‌دهد که هزینه دولت به صندوق‌های بازنشستگی هرازچندسالی با یک جهش مواجه بوده است؛ برای کاهش دادن شکاف ناشی از عدم رشد متناسب دستمزدها، در صورتی که دستمزدها کافی نباشد، دولت‌ها سعی می‌کنند در قالب مکمل‌های درآمدی میزان دریافتی شاغلان را با میزان هزینه‌ها متناسب کنند. در گزارش اخیر سازمان بین‌المللی کار در زمینه روند اشتغال در جهان ملاحظه می‌شود که سهم یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی (به‌عنوان مکمل‌های درآمدی) از کل درآمد خانوارهای کم‌درآمد در اقتصادهای توسعه‌یافته و اتحادیه اروپا به‌مراتب بیش از اقتصادهای نوظهور و درحال‌توسعه است.

مسئله مهم، ضعف نظام حمایتی است که ناشی از بی‌توجهی به سیاست‌گذاری اجتماعی و درواقع ضعف گفتمان رفاهی است. درحال‌حاضر، خدماتی که دستگاه‌های حمایتی ارائه می‌دهند به‌لحاظ سطح پوشش، جامعیت و کفایت بسیار نامطلوب است. برنامه‌های حمایتی در مقابل نوظهور، بررسی‌ها نشان می‌دهد که رشد متناسب ناکافی و دیر هنگام است. سیاست‌های اقتصادی و سیاسی به صورت منبع مخاطره اجتماعی عمل می‌کنند و گویا این موضوع در سیاست‌گذاری ایران کاملاً جا افتاده است و دولت‌های مختلف نیز در این زمینه مسیر گذشته را ادامه می‌دهند. برنامه‌ها و اقدامات جبرانی برای کنترل و کاهش آسیب‌های ناشی از سیاست‌های اقتصادی بسیار ناکافی بوده است و بسیاری از همین برنامه‌ها نیز به دلیل ساختار غیرشفاف و ناکارآمد تخصیص منابع عمومی دولت اساساً اجرا نشده است. با اینکه دولت فربه

تا بانک شهر را به عنوان فاینانس‌کننده این پروژه اعلام کند.

وی با بیان اینکه این نوع پشتیبانی از پروژه و دادن امتیاز به پیمانکار اشتباه است، گفت: دلیلی ندارد که بانک شهر را پشت‌سر یک پیمانکار به طور انحصاری بگذاریم. اگر بنا بر این کار باشد باید اعلام عمومی کنند تا هر پیمانکاری آمد و قیمت کمتری داد کار را به او بدهیم و پشتیبانی بانک شهر را هم بگذاریم. نباید بانک شهر را درگیر پیمانکارانی کنیم که متعهد شدند از روز اول فاینانس کنند، اما بعد روند کارشان تغییر می‌کند. تا جایی که می‌دانم این پروژه مدتی بدون فاینانس مانده بود و آنها به اعتبار بانک دی که اعلام کرده بود اعتبار را تأمین می‌کند، پیش رفته بودند و شهرداری پیمانکار دیگری را نپذیرفت. از نظر ما این کارها به سه صرف و صلاح شهرداری نیست و باید این روند را اصلاح کنند.

پیش‌تر یعنی اوایل آبان‌ماه در خبرها آمده بود که تسهیلات و ضمانت‌نامه بانکی ۲۱۰۷ میلیاردی بانک دی قرار است برای احداث خط ۶ مترو اختصاص یابد. بانک دی اعلام کرده بود این بانک با شرکت مجری پروژه قراردادی تسهیلاتی منعقد کرده و تاکنون بخش قابل توجهی از آن پرداخت شده است. بر اساس این قرارداد همکاری، بانک دی ۷۸۲ میلیارد ریال ضمانت‌نامه بانکی برای این شرکت به منظور تکمیل پروژه صادر کرده است.

اما خط ۶ مترو تهران که درباره آن نوشته شد با حدود ۳۳ کیلومتر در هفت نقطه با سایر خطوط مترو تقاطع دارد و از خیابان‌ها و میدان‌های مهمی مانند خراسان، امام حسین(ع)، هفت تیر و ولیعصر(عج) و خیابان ۱۷ شهریور عبور می‌کند و قرار است ۳۰ ایستگاه داشته باشد. این خط از بزرگراه دولت‌آباد (جنوب شرق تهران) آغاز می‌شود و با عبور از کیانشهر، بعثت، خیابان منصور، ۱۷ شهریور، میدان خراسان، شهید محسنی، پل امیرکبیر و میدان شهدا به میدان امام حسین (ع) می‌رسد. سپس به سمت خیابان شریعتی (میدان سپاه)، بهار شیراز، میدان هفت تیر، کریم‌خان، بلوار کشاورز، امیرآباد شمالی، پل گیشا، اشرفی اصفهانی و آیت‌الله کاشانی ادامه مسیر می‌دهد و سرانجام در شهرک کن (شمال غرب تهران) به پایان می‌رسد. در این شرایط که توصیف آن رفت، می‌توان گفت توقف‌های طولانی قطارها و اتوبوس‌های شلوغ، ادامه تأخیرهای طولانی مترو و اتوبوس‌ها و ادامه ماندن در ترافیک و حالت تهوع و سردرد ... ادامه دارد و حداقل طبق آخرین اظهار نظر مدیر عامل مترو تا پایان سال ۹۵ هم خبری از افتتاح جدید نیست.

این عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه روند انتخاب پیمانکار و تغییر در شرایط پروژه در این مرحله بسیار اشتباه است، و ما به آن اعتراض داریم، گفت: بچثمان این است که اگر این پیمانکار قرار است فاینانس نکند و بانکی آنها را پشتیبانی نکند، دیگر به عنوان پیمانکار برای این پروژه مفهوم و تعریفی ندارد و باید مجدداً برای مناقصه اعلام عمومی شود. درعین‌حال شهرداری تهران برای اینکه کار در این مرحله متوقف نشود، تصمیم گرفته

دست‌فروشی‌ها نیت ضداجتماعی ندارند

است، اما در حوزه اجتماعی گویا نوعی بی‌دولتی وجود دارد. انواعی از مسائل اساسی در حوزه اجتماعی داریم، اما ظاهراً نوعی «نیندیشدگی» و به تعبیر فوکو نوعی «نخواندگی» وجود دارد؛ انکار جامعه به حال خود رها شده است؛ یعنی اینجا یکی که دولت باید حضور جدی داشته باشد، غایب است. برنامه‌هایی هم که اجرا می‌شود، توان جبرانی بسیار پایینی دارد و در مجموع آسیب‌ها و مخاطره‌های تولیدشده به مراتب بیش از اقدامات جبرانی است.

در حوزه اشتغال هم چنین است. بررسی‌ها نشان داده که در دو دولت قبل میانگین ایجاد اشتغال بسیار پایین (نزدیک ۱۴هزار شغل در سال) بوده است. در شرایطی که تعداد بی‌کاران بیش از سه میلیون برآورد می‌شود، به فرض هم اگر دولت یازدهم بتواند در حالتی خوش‌بینانه و در صورت تحقق مجموع شرایط، تا به اشتغال صد یا ۲۰۰ هزارنفری در سال برسد باز هم مسئله بی‌کاری حل نمی‌شود. دولت نیاز دارد سیاست ویژه‌ای برای ایجاد اشتغال طراحی کند. همان‌طور که در ابتدای بحث مطرح شد، تجربه‌های جهانی در دو دهه اخیر نشان داده ما صرفاً با رویکردهای نئولسایک نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مسئله بی‌کاری حل شود.

۲ **درباره مشکل‌شدن دست‌فروش‌ان گفتید، اما به نظر می‌رسد این موضوع تنش‌آمنند آن است که ابتدا «رسمی» شوند.**

بله، اما اگر اتحاد صنفی‌ای داشتند توان چانه‌زنی بیشتری هم داشتند. این گروه به واسطه‌های اجتماعی برای ایجاد تشکل و بازنمایی مطالبات‌شان نیاز دارند. در هر صورت ممکن است جمع، متحد و متشکل‌شدن، هرچند به طور غیررسمی، دریچه‌ای به سمت رسمی‌شدن و ورود به گفت‌وگوی اجتماعی با دیگر گروه‌ها بگشاید. نمی‌توان به انتظار نشست که آنها اول رسمی و بعداً متشکل شوند. همین‌طور، لازم نیست که لزوماً دست‌فروش‌ان تشکل‌شان را جایی ثبت کنند، بلکه در پی ایجاد یک صنف حول مسائل مشترک‌شان هستند تا توان چانه‌زنی پیدا کنند، هم با نظام صنفی و هم با تأمین اجتماعی، دولت و مجلس. توان چانه‌زنی و یارکشی و ابزار مطالبات، مستلزم متشکل‌شدن است، حتی به طور غیررسمی.

۳ **شهرداری اخیراً سامانه‌ای برای نام‌نویسی دست‌فروشان، به‌منظور ساماندهی ایشان تدارک دیده است. اشاره کردید به دلیل ابهام در برداشت ایشان از ساماندهی و نیز صرفاً مکانی دیدن امر ساماندهی، امیدی به توفیق آن ندارید. آیا «وزارت تعاون، کار و تأمین اجتماعی» خود چنین تمهید و سامانه‌ای را پیش‌بینی و اجرا کرده است؟**

نه، کار شهرداری هم به‌تنهایی مسئله را حل نمی‌کند، مگر آنکه شهرداری روشن کند که دقیقاً منظورش از ساماندهی چیست؛ برای مثال می‌خواهد برای خطوط مترو سهمیه‌های طراحی کند یا یک‌گذاری افرادی مشخص، از فعالیت باقی‌شان جلوگیری کند؟ یا آنکه مثلاً فقط دست‌فروشی کالاهای معینی را به رسمیت بشناسد؟ نمی‌دانیم اکنون دقیقاً منظورشان از ساماندهی چیست.

۴ **نهایتاً اینکه، آیا تدارک سامانه شهروندی ناظر بر اقتصاد غیررسمی امکان‌پذیر هست؟ اساساً با شرایطی که از اقتصاد غیررسمی تهران شاهد تا خاندان‌های یک ساعت راه است و مسکوینی به خاندان‌های شش‌ساعتی شده دارای زن سرپرست خانوارهای شناسایی شده دارای زن سرپرست خانوار یا دارای دو فرزند معلول واکذا می‌شود و این فرایند در سال‌های آتی نیز ادامه می‌یابد.»**

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های زنان دست‌فروش در مترو، مسئله تأمین هزینه‌های اجاره مسکن است. اما هیچ‌کدام از آنها خبری از صحبت‌های وزیر کار نداشتند و گویی داشتن مسکن برایشان آرزویی دور و دست‌یافتنی است. برای این زنان مسکن یعنی هر سال تخلیه خانه و انتقال به بخش‌های پایین‌تر و دورافتاده‌تر شهر و در نتیجه هر سال، سختی بیشتر برای یافتن شغل. برای او، یک ایستگاه شاهد تا خاندان‌های یک ساعت راه است؛ خانواده‌ای که با چهارمیلیون پول پیش و اجاره باید تخلیه‌اش کند چون صاحب پول پیش بیشتری می‌خواهد. اکنون همین زنان هستند که شهرداری تهران دو هفته‌ای است نیروهایش را به سراغشان فرستاده و با افتخار از بیرون‌راندن‌شان از مترو خبر می‌دهد.

ادامه از صفحه ۱۶

از زنان سرپرست خانوار دست‌فروش چه می‌دانیم؟

معاونت زنان رئیس‌جمهور در صحنه‌گذاشتن بر ادعای تبعیض و همچنین ناتوانی دولت در حمایت از زنان در بخش غیر رسمی می‌گوید «زنان آخرین افرادی هستند که به کار گمارده می‌شوند و اولین کسانی هستند که از کار کنار گذاشته می‌شوند». وی یادآور می‌شود که «درحال‌حاضر شاهد سوق‌دادن زنان به بخش‌های غیر رسمی کار هستیم و نمی‌توانیم از این زنان حمایت کنیم؛ به بیان دیگر شاهد زنانه‌شدن بخش غیر رسمی اقتصاد و اشتغال هستیم».

دختر جوانی که در ایستگاه امام خمینی کمک زیادی برای گرفتن مصاحبه‌ها به من کرده است، بیست‌و‌خورده‌ای‌ساله است. به دبیرستان نرفته و از همان ۱۵ سالگی خیاطی را درپیش گرفته است. خودش می‌گوید الان منشی‌ها هم باید لیسانس داشته باشند. دوستش را نشانم می‌دهد. می‌گوید او به‌تازگی از شرکی خصوصی بیرون آمده است، با او که حرف می‌زنم می‌فهمم ۲۲ ساله است. به‌دلیل قراردادنداشتن از کار در شرکت که به او وظیفه بازاریابی را محول کرده بود، اولین کسی بود که با بحرانی‌شدن وضعیت مالی شرکت از آن اخراج شد. بسیاری از زنان دیگری هم که با آنها صحبت کردم به‌دلیل نداشتن سواد هیچ‌گاه موفق به پیداکردن شغل در بخش رسمی نشده بودند.

زنان بازمانده از اقتصاد رسمی و محاصره‌شده در نام سرپرست خانوار در کشاکش وعده‌های دولت و سازمان بهزیستی و مشکلات زندگی در حرکت‌اند. معاونت زنان رئیس‌جمهور درباره حمایت از این‌قشر بارها از طرح بیمه زنان سرپرست‌خانوار نام برده است؛ «دران‌یکه لایحه جامع حمایت از زنان سرپرست خانوار با همکاری وزارت کار آماده شده و تلاش‌هایی نیز برای ارزش‌گذاری کار زنان خادمدار انجام گرفته است و امیدواریم بتوانیم در راستای برنامه‌های گذشته زنان خاندان‌را به‌شکلی گسترده بیمه کنیم» طرحی که در مناسبت‌های مختلف گردگیری‌اش می‌کند و هیچ‌گاه اجرایی نشده است؛ اما حتی به‌فرض اجرایی‌شدن هم این طرح فقط پاسخ‌گوی زنانی است که می‌توانند بدون دغدغه مالی در منزل کار کنند. مشکل زنانی که در مترو به شغل دست‌فروشی مشغول هستند، آن است که باید درآمد داشته باشند؛ با این‌همه هیچ‌ک از زنانی که با آنها مصاحبه کردم از طرح بیمه زنان سرپرست خانوار خبری نداشتند. بعضی‌ها خود را بیمه اختیاری کرده‌اند و بعضی حتی بیمه سلامت هم ندارند. از عذرا راجع‌به بیمه که می‌پرسم از هزینه‌های سرسام‌آور ماهیانه بیمه سخن می‌گوید. باقی نیز اوضاع بهتری ندارند. از زنها یکی دیگر، از فروشنده‌های مترو که سراغ بیمه را می‌گیرم، می‌گوید کارت کمیته امداد را دارم. از طرف بقیه و خودش جواب می‌دهد که اینجا یک سری کارت کمیته امداد دارند و بعضی کارت بهزیستی که با این کارت‌ها، ماهی ۵۰ تومان می‌توان کمک‌خرجی گرفت. بعد نکاهی به این‌همه می‌کند که می‌خواهد بگوید که این پول به کجای زندگی می‌رسد.

اما در جست‌وجو برای حمایت‌های سازمان بهزیستی هم با ماجراهایی دردناک مواجه می‌شویم. یکی از سایت‌های خیریه، مراحل ثبت‌نام و میزان حمایت مالی‌ای که بهزیستی از زنان سرپرست خانوار انجام می‌دهد را این‌گونه آورده است: «مبلغ مستمری برای زنان بدون فرزند ۳۲هزارتومان، تا دو نفر ۳۷هزارتومان، خانواده سه‌نفره ۴۴هزارتومان، تا چهار نفر ۵۰ و خانواده‌های پنج‌نفر به‌بالا ماهانه مبلغ ۶۰هزار تومان مستمری دریافت می‌کنند». دریا که کارت بهزیستی دارد، ماجرای گرفتن کارش را این‌گونه تعریف می‌کند: «با کمک یکی از مأموران نیروی انتظامی در مترو که هرروز شاهد گرفتن وسایلم توسط مأموران شهرداری بود و دلش به حالم سوخت توانستم استشنهادی جمع کنم و به بهزیستی تأیثت کنم که مطلقه و صاحب دو فرزند محصل هستم». بعد از آن همه دوندگی، کارت بهزیستی فقط درآمدی حدود ۵۰هزارتومان دریا داشت است!!!

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم به‌عنوان مسئول دیگری در قبال زنان سرپرست خانوار قول تأمین مسکن به این افراد را داده است و گفته: «تا پایان سال جاری ۲۰هزار واحد مسکوینی به خانوارهای شناسایی شده دارای زن سرپرست خانوار یا دارای دو فرزند معلول واکذا می‌شود و این فرایند در سال‌های آتی نیز ادامه می‌یابد». یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های زنان دست‌فروش در مترو، مسئله تأمین هزینه‌های اجاره مسکن است. اما هیچ‌کدام از آنها خبری از صحبت‌های وزیر کار نداشتند و گویی داشتن مسکن برایشان آرزویی دور و دست‌یافتنی است. برای این زنان مسکن یعنی هر سال تخلیه خانه و انتقال به بخش‌های پایین‌تر و دورافتاده‌تر شهر و در نتیجه هر سال، سختی بیشتر برای یافتن شغل. برای او، یک ایستگاه شاهد تا خاندان‌های یک ساعت راه است؛ خانواده‌ای که با چهارمیلیون پول پیش و اجاره باید تخلیه‌اش کند چون صاحب پول پیش بیشتری می‌خواهد. اکنون همین زنان هستند که شهرداری تهران دو هفته‌ای است نیروهایش را به سراغشان فرستاده و با افتخار از بیرون‌راندن‌شان از مترو خبر می‌دهد.